

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که درصدد بیان کلام مرحوم نائینی بودیم؛ ایشان فرمود بر امام لازم است از طریق متعارف احکام را بیان بکند مثلاً اگر سوال پرسیدند ایشان جواب دهند و... اما اینکه امام به خواب فقهی بیاید و حکم اجماعی را مخدوش کنند از وظایف امام نیست.

استاد علیدوست: آیا در احکام جزئی دخالت امام لازم است یا نه؟ مثلاً زنی رحم خود را برداشته و طلاق گرفته آیا عده لازم است یا نه؟ فرض کنیم همه علما بگویند عده لازم است؛ و امام عصر مخالف این نظر باشند به نظر می رسد دخالت امام لازم نیست. اما در مسائل کلی، سیاسی و کلان آیا همین حکم جاری است یا نه؟

اینکه امام باید دخالت بکنند حدّش چیست؟ چه کسی باید تعیین کند؟ مرحوم نائینی آیه و روایتی را بر مدعای خود بیان نکرد؛ بالاتر اینکه در برخی روایات ما داریم که ائمه فرمودند: از ما سوال کنید، اگر دوست داشته باشیم جواب می دهیم و اگر هم دوست نداشته باشیم جواب نمی دهیم و این روایات حاوی این مطلب است که وظیفه امام پاسخ و لو از طریق متعارف نیست و این روایات مخالف نظر مرحوم نائینی است.

کلام سوم محقق نائینی: مرحوم آخوند برای اعتبار اجماع، پنج مبنا را اشاره کرد شیخ انصاری هم شبیه مرحوم آخوند را قائل بود اما جناب نائینی دو وجه دیگر را مطرح می کند:

1: تراکم ظنون: یعنی وقتی کسی فتاوی متعدد را دید با تجمیع ظنون به رای معصوم می رسد و این از باب ملازمه (عقلی، عادی و اتفاقی)، تشرف و دخول نیست بلکه این چیزی شبیه حساب احتمالات است؛ مرحوم نائینی این را یکی از راه های اعتبار اجماع می داند البته ایشان در بحث اجماع محصل این را مطرح می کند امادر بحث اجماع منقول هم می شود مورد بحث قرار بگیرد.

2: اگر فقهاء بر یک نظر اتفاق کردند از طریق اتفاق فقهاء بر یک نظریه، کشف کنیم یک نصی را که به دست آنها رسیده است، اما به دست ما نرسیده است؛ یعنی متوجه می شویم اگر دلیل آنها به دست ما می رسید ما هم می پذیرفتیم.

فرق کلام نائینی با مرحوم شیخ و آخوند در کاشفیت رای معصوم:

در مبنای شیخ و آخوند اجماع کاشف از دخول امام بود؛ اما نائینی می گوید اجماع فقهاء کاشف از این است که نصی به طریق طبیعی بوده که از بین رفته است و به دست ما نرسیده است.

استاد علیدوست: مرحوم نائینی این دو شماره را مستقل از 5 شماره سابق می داند اما به نظر ما تراکم ظنون وجه مستقلی نیست و با نگاه در کلام محقق نائینی این معلوم می شود؛ ایشان یک راهی به عنوان حدس قول معصوم مطرح می کند و یک راهی را به عنوان تراکم ظنون؛ در حالی که تراکم ظنون هم ابزاری برای حدس قول معصوم است و چیز مستقلی به حساب نمی آید؛ بله می پذیریم که شماره هفتم ایشان (وجه اخر) مستقل است و جدای از 5 وجه اول است.

مرحوم نائینی می فرماید به نظر من اگر اجماعی بخواهد معتبر شود باید از راه اخیری که مطرح کردم اعتبار پیدا کند.

نکته آخر مرحوم نائینی: به نظر من برای اعتبار اجماع منقول، باید ببینیم ناقل چه کسی است اگر کسانی قبل از علامه (قرن 8)،

محقق (قرن 7) و شهید اول (قرن 9) باشند اجماع این بزرگان را نباید قبول کنیم؛ اما اگر امثال محقق و علامه و شهید باشند

اجماع اینها را می پذیریم؛ بزرگان ما مثل سید مرتضی، شیخ طوسی و شیخ صدوق (قبل از قرن 7) ادعای اجماع که می کردند اجماع علی القاعده بوده است و لذا از نظر ما اعتباری ندارد.

مثال: سید مرتضی با آب مضاف وضو را صحیح می دانسته و ادعای اجماع هم کرده؛ در حالی که می دانیم در این مساله اختلاف بسیار زیاد است و علت فتوای سید مرتضی اصل براءت بوده است و لذا به حساب علما گذاشته و ادعای اجماع کرده است.

اما ادعای شهید اول، ثانی، محقق و... به گونه ای است که می دانیم روایتی در دست اینها بوده که به دست ما نرسیده است و لذا ادعای اجماع از ناحیه اینها پذیرفته است.

استاد علیدوست: اشکال کلام مرحوم نائینی: ایشان فرمود اجماع های علامه و شهید و بعدی ها غالباً بر اساس تتبع است اما اجماع قبلی ها غالباً علی القاعده است و ما ادعای غالبی را نمی توانیم از مرحوم نائینی بپذیریم و لذا ضابطه به دست نمی آوریم.

مورد نقض: ابن ادریس از ناقدین اجماع علی القاعده است، با اینکه از کسانی است که قبل قرن هفتم است؛ چرا ابن ادریس را که در قرن ششم است را ملاک قرار نداده‌اید بلکه شیخ طوسی در قرن هفتم را ملاک کردید؛ بنابراین باب مناقشه باز است. شخصیت دیگری که باید به کلامش بپردازیم مرحوم محقق عراقی است؛ ایشان مثل برخی از علما معیار حجیت را خبر عن حس قرار می دهد و می فرماید: هر خبری که عن حس باشد معتبر است و بر فرضی که شک بکنیم از حس است یا حدس میگوییم ان شاء الله عن حس نقل می کند و می فرماید براساس این سخن ما باید در اجماعات منقول تفصیل بدهیم و به ناقل اجماع توجه کنیم اگر ناقل اجماع، امثال شیخ صدوق، مفید و سید مرتضی است، اعتبار دارد و اگر امثال بعدی ها باشند اعتبار ندارد.

الحمد لله رب العالمین